

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران

حسین نصیرزاده^۱، مهناز گودرزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

چکیده

در هزاره جدید؛ به‌ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به‌دنبال تحولات پس از قیام‌های مردمی و بیداری اسلامی، جهان شاهد گسترش فزاینده جریان‌های سلفی- تکفیری و قدرت‌یابی افراط‌گرایان مذهبی در خاورمیانه بوده است. جریان‌های سلفی- تکفیری با عقبه ایدئولوژیک، در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته و علاوه بر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن، به‌طور خاص جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه، چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که جریان‌های سلفی- تکفیری به‌عنوان عامل تهدید، بی‌ثباتی و بی‌نظمی در منطقه خاورمیانه علی‌رغم چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف فرصت‌های قابل توجهی نیز برای ایران به‌همراه داشته است. روش جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین، یافته‌های تحقیق به شیوه‌ای توصیفی- تحلیلی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، جریان‌های سلفی- تکفیری، خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲. (نویسنده مسئول)، عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، اصفهان، ایران

مقدمه

پس از تحولات متعاقب ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نقش ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه و فراسوی آن افزایش یافت. کانونی‌ترین نقطه این تحول ژئوپلیتیک در حوزه مرزی، سقوط رژیم بعثی در عراق بود که به دنبال آن، پیوند الگوی نوین سیاسی با سایر روندهای شتاب دهنده، چشم‌انداز جدیدی از تحول ژئوپلیتیک در منطقه را ترسیم و اهمیت ژئوپلیتیک ایران در هارتلند اسلامی و شیعی را بیش از پیش آشکار کرد. در واقع، ترکیب این تحولات با منابع سنتی و پایدار ژئوپلیتیک، فرصت‌ها و مقدرات ویژه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌نماید که البته، دربردارنده محدودیت‌ها و چالش‌های جدیدی نیز بود. یکی از خطرناک‌ترین و جدی‌ترین این تهدیدها در سطح منطقه و جهان اسلام، رویکرد خاصی از اسلام‌گرایی است که عنوان سلفی - تکفیری معرف آن است. جریان سلفی‌گری با عقبه ایدئولوژیک، در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته و با اظهار شدیدترین نگرانی درباره این تحولات، به نوعی از خاستگاه‌ها و مراکز قبلی خود فاصله گرفت و عراق و سوریه را پایگاه اصلی فعالیت‌های خود قرار داد. در نتیجه تجمیع و هم‌افزایی توان سلفی‌گری، موجی از فرقه‌گرایی و چنددستگی قومی - مذهبی در خاورمیانه به وجود آمده است که دست‌کم در طول تاریخ معاصر بی‌نظیر است. به علاوه، مسائل متعددی در حوزه‌های سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی پدید آمده است که جمهوری اسلامی ایران را به طور مستقیم در کانون تحولات خاورمیانه قرار داده است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۷). در نتیجه، جریان‌های سلفی - تکفیری و تحولاتی که متعاقب ظهور آنها شکل گرفت، علی‌رغم چالش‌های قابل توجه آن، فرصت‌ها و مقدرات چشمگیری نیز برای ایران ایجاد کرد. در این پژوهش کوشش شده است به این فرصت‌ها در چارچوب مکتب کپنهاگ پرداخته شود.

۱. مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در حوزه امنیت مطرح شد. در واقع، مکتب کپنهاگ جزو نخستین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پدید آمده است. این مکتب، مطالعات امنیتی را که از ویژگی‌های دوران جنگ سرد است، از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. این امر تلاش بوزان و همکارانش را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دایره محدود نظامی نشان می‌دهد. باری بوزان با انتشار کتابی به نام «هویت، مهاجرت و دستورالعمل نوین امنیت در اروپا» با برخورداری از چارچوب سازه‌نگارانه و توجه به مسائل هویتی، فرهنگی، مهاجرت و نقش آنها در رابطه با امنیت، تا حد زیادی به تحولات نوظهور و چالش‌های امنیتی- اجتماعی پرداخته است. در واقع، مکتب کپنهاگ در مباحث هستی‌شناسی خود نگاهی تاریخی به پدیده‌های اجتماعی دارد و به نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز توجه ویژه‌ای دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰-۴۴۱).

به‌طور سنتی، تحلیل‌های امنیتی در زمینه سیاست خارجی، بر ابعاد نظامی که در حقیقت تعریف محدودی از امنیت تلقی می‌شد، متمرکز شده است. از این‌رو، تهدیدهای ملحوظ در وضعیت‌های جنگی و نزدیک به منازعه خشونت‌آمیز، باعث مسائل امنیت ملی جدی برای رهبری سیاسی می‌شود. استراتژی‌های مختلف ایجاد موازنه، دنباله‌روی، متحدیابی، ایجاد ائتلاف، سابقه تسلیحاتی و هزینه دفاعی، جریان معمول سیاست‌گذاری امنیتی کلاسیک بود (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

مفهوم امنیت در دوران پس از جنگ سرد به دلیل تغییرات شکلی و ماهوی شرایط و تفوق پدیده جهانی شدن، ابعاد تازه و گسترده‌ای به‌خود گرفته است. گرچه برخی امنیت را به صورت سلبی (فقدان تهدید) تعریف می‌کنند؛ اما این تعریف سنتی امروزه با این نقد که

این نگرش نظامی‌گرایانه توان تحلیل همه‌جانبه مسائل امنیت جهان را ندارد، به چالش کشیده می‌شود. در مطالعات جدید امنیت، ابعاد متعددی به مفهوم امنیت افزوده شده و امنیت به مفهومی «چندبُعدی» تبدیل شده است که از مباحث زیست-محیطی و اقتصادی گرفته تا تهدیدهای نظامی را شامل می‌شود. اگرچه در همین زمینه، پاتریک مورگان معتقد است: «حقیقت آن است که کشورها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی امنیت فیزیکی، هسته امنیت آنها را شکل می‌دهد. هرچند آنها فهرست راهبردهای امنیتی خود را گسترش داده‌اند و به کنایه امنیت را درباره موضوع‌های بیشتری به‌کار می‌برند؛ ولی آنها همچنان با تهدیدات فیزیکی و پاسخ‌های نظامی آغاز می‌کنند (چون واقعیت این طور است). به همین دلیل، تحلیلگران نباید مفهوم سنتی امنیت را به‌سادگی کنار بگذارند» (لیک و مورگان، ۱۳۹۲ : ۴۴-۴۵).

اعضای مکتب کپنهاگ همگی از مدافعان مفهوم امنیتی گسترش‌یابنده هستند؛ به‌طوری که همه انتشارات این مکتب؛ به‌ویژه کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به‌طور صریح برای یک کار امنیتی گسترش‌یابنده طرح شده است. به‌طور کلی، باید پذیرفت که امروزه مفهوم امنیت تعریف گسترده‌ای یافته و نه به‌عنوان یک مفهوم ثانوی که تابع متغیرهای قدرت بوده و به‌تبع تحولات بین‌المللی دستخوش تحول می‌شود؛ بلکه به‌عنوان یک متغیر مستقل در گفتمان‌های سیاسی جدید بررسی می‌شود. امنیت امروزه با مبانی فلسفی و فکری گره خورده است. بدین ترتیب، امنیت نه تنها به صورت سلبی «نبود تهدید» تعریف نمی‌شود؛ بلکه به صورت ایجابی «وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و منافع ملی» تعریف می‌شود و حتی امروزه و در موج سوم مطالعات امنیت جهانی، از مفهوم سومی زیر عنوان «امنیت اطمینان بخش» یاد می‌شود (واعظی و داداندیش، ۱۳۹۰: ۶). شایان ذکر است سطح تحلیل امنیتی در مکتب کپنهاگ بیشتر سطح تحلیل منطقه‌ای است. به عقیده بوزان، سطح تحلیل ملی که واقع‌گراها مدافع و مروج آن هستند، همه ملاحظات منطقه‌ای را تحت

الشعاع علایق ملی و خواست دولت قرار می‌دهد. همچنین، در سطح تحلیل جهانی، بافتار منطقه‌ای و فروملی و ملی، همگی معلول اقتضای نظام بین‌الملل و مطابق توزیع قدرت در سطح جهانی شمرده می‌شود (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۲۰).

۲. فرصت‌های جریان‌های سلفی - تکفیری برای جمهوری اسلامی ایران

موقعیت ژئوپلیتیک ایران، در ساختار فضایی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و بسیار قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به‌گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم‌منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیک و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است؛ زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی، اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است؛ به‌طوری که هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیک کشورهای منطقه خاورمیانه را برهم زده، در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی - ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی

یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است؛ ضمن این که با برخوردای از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیک بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به‌عنوان سوخت سیاست در جهان، برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیک است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش‌آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی هستند (تقوی اصل، ۱۳۹۳: ۲).

در چهار دهه گذشته، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحول موقعیت ژئوپلیتیک ایران که مبنای تعاملات ایران با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را شکل داده است، همین اندیشه‌های ایدئولوژیک مردم و حکومت ایران در قالب ایدئولوژی اسلامی- شیعی است. اهداف حکومت ایران بر پایه همین اندیشه تعریف شده و همواره از داده‌های مادی خود همچون ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی و دیگر پتانسیل‌های ملی خود در راستای رسیدن به اهداف اعتقادی و ایدئولوژیک خود بهره برده و متقابلاً از همین عوامل نیز تأثیر پذیرفته است (نوزعیم، ۱۳۹۶: ۱).

بنابراین، ظهور گروه‌ها و جریان‌های سلفی-تکفیری موجب شد که هم از بعد ایدئولوژیک و هم از بعد ژئوپلیتیک، ایران بر سر راه یکی از دشوارترین آزمون‌های خود در دوران معاصر قرار گیرد؛ آزمونی که در نهایت موجب نفوذ بیشتر ایدئولوژی آن و افزایش عمق استراتژیک و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک این کشور شد. عملیاتی شدن آموزش‌ها و آگاهی از انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگ شهری و چریکی در صحنه نبرد، به رخ کشیدن قابلیت‌های مستشاری نیروهای نظامی ایران، عملیاتی کردن آموخته‌های نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، افزایش مانورهای گسترده نظامی با هدف ارتقای توان بازدارندگی؛ از جمله

فرصت‌ها و مقدورات ظهور جریان‌های نوسلفی و گروه‌های سلفی-تکفیری برای جمهوری اسلامی ایران است (اسماعیل‌زاده امام‌قلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

۲-۱. فرصت‌های امنیتی - نظامی

۲-۱-۱. تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران: حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه؛ به‌ویژه پس از حمله داعش به ایزدی تبارهای عراق موجب شد، بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا علیه داعش هم‌پیمان شوند تا داعش را از بین ببرند. این اقدام تقریباً د حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها از جمله عربستان، ترکیه، امارات و قطر، در تشکیل و تجهیز داعش نقش تأثیرگذاری داشتند. جمهوری اسلامی ایران که در این پیمان حضور نیافت، از فرصت استفاده نمود و قبل از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق علیه گروه تروریستی داعش شتافت. اقدامات اثربخش ایران موجب شد که تمام مسؤولان عراق و حتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به تأثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق اعتراف نمایند و بارها از ایران تقدیر کنند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۱). اقدامات همه‌جانبه ایران به‌حدی بود که تلاش چهل کشور هم‌پیمان آمریکا در مبارزه با داعش کاملاً در سایه قرار گرفت و اکثر رسانه‌های جهان؛ حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند. این حضور مقتدرانه و اثرگذار، موجب شد اقتدار نظامی و سیاسی ایران در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای منطقه‌ای نظیر عربستان و ترکیه که رقابت شدیدی با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا دارند، اثبات شود. از منظر دیگر، این حضور قدرتمند باعث شد بارها غربی‌ها به صورت محرمانه و عادی از ایران بخواهند تا در مبارزه با داعش، با آنها هم‌پیمان شود (مینایی، ۱۳۹۴: ۱۱).

۲-۱-۲. افزایش مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت: یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌هایی که ظهور گروه‌های سلفی-تکفیری و به‌ویژه داعش برای جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص جبهه مقاومت به وجود آورده است، مشروعیت بخشیدن به جبهه مقاومت در سوریه، عراق، فلسطین و لبنان است. دولت‌های عراق و سوریه، اعتبار، توانایی و تناسب اقدامات جمهوری اسلامی ایران را به وضوح درک کرده‌اند. داعش با ورود به عراق و سوریه؛ سپس حمله به کردستان عراق و همچنین، ظهور گروه‌های کوچک و بزرگ وابسته به آن، از افغانستان و پاکستان گرفته تا نیجریه و لیبی، نشان داد که مانند گروه‌های سلفی پیشین دارای فعالیت محدود و متمرکز نیست؛ بلکه مقیاس و ابعادی بسیار گسترده دارد؛ به حدی که تقریباً معدود حادثه تروریستی در چهار سال گذشته در سراسر جهان، از پاریس و لندن تا بوستون و نیویورک، اتفاق افتاده است که توسط این گروه انجام پذیرفته باشد.

حملات برق‌آسای داعش و افزایش روزافزون قلمرو سرزمینی آن؛ به‌ویژه تا سال ۲۰۱۷ موجب آن شد که توجهات جهانی به این مسأله جلب شود. گسترش دامنه عملیات داعش به اروپا و آمریکای شمالی، نشان داد که پدیده داعش منحصر به خاورمیانه و شمال آفریقا نیست و عملاً سراسر جهان را درنوردیده است. با این همه، تمرکز آنها بر سوریه و مرکز خلافت خودخوانده آنها «رقه»، موجب شد تا افکار عمومی منطقه و جامعه جهانی به این مسأله پی ببرند که بحران سوریه منشاء خارجی دارد. گروه‌های نوسلفی از جمله داعش اثبات کرد که بشار اسد به دنبال قدرت‌طلبی نبوده است و همان‌گونه که وی اعلام کرده است برای صیانت از ملت سوریه با این گروه‌ها می‌جنگد. غربی‌ها، بحران سوریه را تداوم تحولات و انقلاب‌های عربی می‌دانستند و بر این اساس، کمک‌های تسلیحاتی و مالی را برای گروه‌های مبارز داخل سوریه فراهم می‌کردند؛ اما اینک با این مشکل مواجه شده‌اند که افکار عمومی تحت تأثیر تحلیل‌های آنها قرار نمی‌گیرند؛ بر همین اساس، دیگر نمی‌توانند به داعش کمک کنند. در واقع، غرب بر سر دو راهی مانده است: از یک‌سو تمایل دارد با کمک

به گروه‌های تروریستی، زمینه را برای سقوط بشار اسد فراهم کند و از سوی دیگر، از عکس‌العمل افکار جامعه جهانی واهمه دارد (توسلی، ۱۳۹۳: ۷).

۱-۳: عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد: هرچند که نیروهای سپاه قدس در این میدان‌ها در قالب مستشارهای نظامی شرکت می‌کنند؛ اما فهم استراتژیک میدان نبرد در چنین جنگ‌هایی قابل انتقال است. نیروهای نظامی ایران؛ به ویژه نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، می‌توانند از این فرصت برای عملیاتی کردن آموخته‌های خود در صحنه نبرد واقعی استفاده نمایند. اطلاعات میدان نبرد، تحرک بالای نیروها و غافلگیری، از مهم‌ترین مشخصات جنگ‌های چریکی و تأکید عمده جنگ‌های چریکی بر تاکتیک‌های جنگ و گریز است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۲). در جنگ‌های چریکی مردم می‌توانند هم قدرتمندترین نیرو علیه چریک‌ها باشند و هم هدف اصلی آن؛ چون جنگ چریکی بیشتر برای تحت تأثیر قرار دادن و ایجاد رعب و وحشت انجام می‌گیرد. معمول‌ترین شکل جنگ در خاورمیانه، جنگ‌های شهری یا چریکی است که در این جنگ‌ها از ابزارهایی با تکنولوژی پایین استفاده می‌شود و منازعات داخلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پس از بیداری اسلامی، به وضوح گویای این مطلب است؛ اما به دلیل مشخص نبودن میدان نبرد، از سخت‌ترین جنگ‌ها به شمار می‌آید (گلستان، ۱۳۹۴: ۱۷).

۱-۴: تضعیف نیروهای گریز از مرکز به دلیل ثبات و امنیت داخلی: داعش به‌عنوان بازیگری غیرمنطقی، موجی از ترس و وحشت مردمی و احساس ناامنی را در ابعاد جهانی به‌طور عام و منطقه و ایران به‌طور خاص برانگیخته است. در گذشته تاریخی ایران به‌دلیل وجود اقوام و مذاهب متفاوت و وجود دولت‌های بی‌کفایت و ستمگر، در صورت تضعیف حکومت مرکزی، قدرت نیروهای گریز از مرکز گسترش یافته و همواره به دنبال خودمختاری بودند. باثبات ماندن جمهوری اسلامی ایران در عصر آشوب‌زای پسا انقلاب عربی، به‌رغم حمایت

گسترده دشمنان جمهوری اسلامی ایران از مخالفان نظام، باعث کاهش قدرت مخالفان داخلی و خارجی شده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

۲-۱-۵: اثبات توانایی ایران به‌عنوان جزیره ثبات در منطقه‌ای بی‌ساختار و بی‌ثبات: با ظهور افراط‌گری سیستمیک در افغانستان به‌طور اعم و داعش به‌طور اخص، آتشی از ناآرامی‌های منطقه‌ای در خاورمیانه شعله‌ور شد که تا به امروز به استثنای معدود کشورهایی در منطقه، دامن اکثر کشورها را گرفته و موجی از خشونت و بی‌ثباتی را به وجود آورده است. مرزهای شرقی و غربی جمهوری اسلامی ایران برای گروه‌های افراطی، به مرزهای عایق و نفوذناپذیر تبدیل شده که به استثنای چند حمله پارتیزانی مستحکم باقی مانده است. در واقع، ایران به‌عنوان آخرین و قدرتمندترین حلقه کشورهای شیعی و محور مقاومت در منطقه بحران‌زا و آشوب‌خیز خاورمیانه، همچنان باثبات باقی مانده است (گلستان، ۱۳۹۴: ۱۹).

۲-۲. فرصت‌های سیاسی

۲-۱-۲. مشروعیت یافتن نقش فعال ایران در منطقه و به‌ویژه در سوریه: هجوم گروه‌ها و جریان‌های سلفی - تکفیری به دولت بشار اسد و یورش‌های گسترده آنها در خاک سوریه و حمایت همه‌جانبه غرب و کشورهای منطقه؛ به‌ویژه عربستان، قطر و ترکیه از این گروه‌های تروریستی، موجب ویرانی و کشتارهای وسیعی در سوریه شد. در این عرصه، اکثر کشورهای جهان به‌پیروی از غرب، رژیم صهیونیستی و سران برخی کشورهای منطقه، طبل نابودی اسد را کوبیدند و هم‌صدا شدند تا دولت قانونی و برآمده از آرای مردم سوریه را از بین ببرند. در این میان، ندای حق‌طلبانه مردم و مسؤولان ایران همواره در حمایت از مردم و دولت سوریه بلند بود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

کوشش دولت ایران در ایجاد ثبات در سوریه موجب شد که چندین اجلاس بین‌المللی در ایران با حضور مخالفان سوری برگزار گردد. ایران با اتخاذ سیاست مناسب و هوشمندانه و نیز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت سوریه، موجبات شکست مخالفان و گروه‌های

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۹۱

تکفیری و داعش در سوریه را فراهم آورده، به تدریج مناطق اشغالی سوریه از دست گروه‌های تکفیری آزاد شد و شرایط به گونه‌ای رقم خورد که دولت سوریه تقریباً از حالت بحران خارج شد. پس از این شکست‌ها، گروه داعش مرتکب اعمال وحشتناکی علیه مردم سوریه شد که این اقدامات تروریسم بودن داعش را بر همه حامیان آنها اثبات نمود. یورش داعش به عراق و ادامه اقدامات تروریستی خود در شهرهای موصل، تکریت، فلوجه، انبار و اقدام آنها در برابر اقوام ایزدی و ترکمن، موجب شد که دنیا علیه تروریسم داعش ائتلاف تشکیل دهد و بارها از ایران بخواهند در مبارزه با داعش در کنار نیروهای ائتلاف قرار بگیرد و با آنها همکاری نماید (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۱). بدین‌گونه بود که، دفاع ایران از سوریه مشروعیت یافت. این اقدام همچنین موجب شد که ایران قبل از کشورهای مدعی در غرب، تروریسم را تقبیح کند و در برابر آن موضع واقع‌بینانه بگیرد.

۲-۲. انسجام سیاسی در میان گروه‌های شیعه در منطقه؛ به‌ویژه عراق: انسجام و وحدت گروه‌های سیاسی شیعه در منطقه و به‌ویژه در عراق، یکی دیگر از فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران است. مهم‌ترین گروه‌های سیاسی در عراق شامل شیعیان، اهل تسنن و کردها هستند. پس از سقوط صدام، این سه مرکز قدرت نتوانسته‌اند با یکدیگر تعامل منسجمی داشته باشند و اختلافات آنها به ملت عراق نیز سرایت کرده است. همین مسأله یکی از معضلات دولت نوری المالکی بود و امروزه مشکل حیدر العبادی نیز محسوب می‌شود. اکنون این فرصت به وجود آمده است که در سایه خطر تروریست‌های داعش، گروه‌ها و احزاب عراقی اختلافات را کنار بگذارند و در دولت حیدر العبادی به مقابله با تروریست‌ها پردازند. در واقع، داعش به‌عنوان یک جریان افراطی و انحرافی، فرصتی است تا با بازخوانی نقاط اشتراک شیعیان از یک سو و شیعیان با اهل سنت از سوی دیگر، الگوی مشترک همگرایی و اتحاد اسلامی با گروه‌های معتدل مسلمان منطقه فراهم شود و عمق استراتژیک این پیوند گسترش یابد (رنجبر شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

۲-۳. شکل‌گیری گروه‌های نظامی همسو با ایران: از همان روزهای نخست شکل‌گیری داعش و رشد فزاینده و روزافزون آن در عراق و سوریه، جمهوری اسلامی ایران مبادرت به تمهیدات، اقدامات و ابتکار عمل‌های متعددی در راستای مبارزه تمام‌عیار با این گروه کرد. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این تمهیدات و ابتکار عمل‌ها، ایجاد، سازمان‌دهی و تسلیح گروه‌های مردمی در عراق و سوریه بود. در این میان، دو گروه حزب‌الله سوریه و حشد الشعبی عراق از اهمیت شایان‌ذکری برخوردارند. حزب‌الله سوریه در آوریل ۲۰۱۴ اعلام موجودیت نمود و از آن هنگام در عملیات‌های زیادی، از جمله در حلب، درعا، حمص و ادلب علیه نیروهای سلفی- تکفیری مشارکت داشته است. حزب‌الله سوریه، عمدتاً از شیعیان و علویان این کشور تشکیل شده و تعداد نیروهای آن بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

حشد الشعبی نیز در سال ۲۰۱۴ و پس از افتادن موصل به دست داعش در ۵ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، به دنبال فتوای آیت‌الله سیستانی، برای مبارزه با این گروه تشکیل شد. صدور فتوای جهاد کفایی و تشکیل حشد الشعبی همزمان با ایامی بود که ارتش و پلیس عراق شکست‌های متوالی را متحمل می‌شدند و شهرهای عراق یکی پس از دیگری به دلیل خیانت برخی از فرماندهان نظامی این کشور سقوط می‌کرد. سربازان عراقی هم با ترک میدان جنگ توسط فرماندهان از صحنه درگیری فرار می‌کردند؛ اما به ناگاه با صدور فتوای جهاد کفایی و تشکیل حشد الشعبی، صحنه جنگ با گروه تروریستی داعش تغییر کرد. با صدور فتوای تاریخی آیت‌الله سیستانی در وجوب جهاد کفایی، هزاران تن از مردم با رفتن به اردوگاه‌های آموزش نظامی، خود را برای نبرد با داعش آماده کردند (حلفی، ۱۳۹۵: ۴۶).

نیروهای حشد الشعبی شباهت زیادی به نیروهای بسیج ایران در دوران دفاع مقدس دارند. در واقع، شکل‌گیری گروه حشد الشعبی، با الگوگیری از بسیج ایران بوده است. عقیل حسینی، رئیس شورای بسیج عراق، حشد الشعبی را ادامه بسیج ایران توصیف کرد. وی

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۹۳

پیش از این نیز اظهار داشته بود که بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است. نوری مالکی در مرداد ۱۳۹۴ خورشیدی در مصاحبه با خبرگزاری ابنا تصریح کرد: «ما در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفتیم.» عمدتاً ساختار و بدنه نظامی حشدالشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند؛ اما بعدها برخی عشایر سنی عراق از استان صلاح‌الدین، استان نینوا و استان انبار و نیز افراد فیلی و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شدند. تعداد نیروهای آن حدود ۶۰ تا ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود (حلفی، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۷).

حشدالشعبی عملیات‌های متعدد و موفقی را علیه داعش سازمان داده است. نخستین عملیات نیروهای حشد الشعبی پس از صدور فتوا و تأسیس این گروه، شکست محاصره شهر سامرا بود. نیروهای حشد الشعبی در همان روزهای اول تأسیس، از شهر بغداد به سوی شهر سامرا به راه افتادند و مناطق اطراف جاده بغداد به سامرا را از وجود داعش پاکسازی و شر این گروه تروریستی را از سر شهر سامرا کم کردند. در ادامه، آنها موفق شدند که این عملیات‌ها را نیز با موفقیت انجام دهند: شکست محاصره شهر آمرلی، آزادی شهر جرف الصخر، آزادی استان دیالی، آزادی شهر تکریت، آزادی شهر بیجی در استان صلاح‌الدین و آزادسازی شهر حویجه (حلفی، ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸).

۲-۴. **تقویت و ارتقای سیاست خارجی و دیپلماسی ایران:** فرصت دیگری که حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، در بخش سیاست خارجی ایران است. مسأله داعش، فرصت و فضای مثبتی را برای سیاست خارجی ایران به وجود آورده است؛ زیرا نه تنها باعث شده خط سیاسی رسمی ایران که تروریسم منطقه‌ای را با تروریسم جهانی مرتبط می‌داند، اثبات شود؛ بلکه موجب شده است فضایی به وجود آید که به سایر بازیگران اثبات شود که ایران بازیگری قدرتمند در منطقه است که قادر است با این‌گونه مسائل مقابله کند.

ایران در جریان تحولات اخیر عراق اثبات کرد که خط قرمزش سقوط دولت عراق است. ایران از این فرصت به‌خوبی استفاده کرد و اجازه نداد دولت شیعی عراق انسجام خود را از دست دهد و سقوط کند. همچنین، در این میان ثابت شده که نه تنها دولت ایران قدرتمند است؛ بلکه ملت ایران هم قوی است؛ زیرا اجازه نفوذ داعش به داخل مرزهای خود را نداده است. ملت ایران هیچ فرصتی به این تندروها نداده و با سیاست‌های دولت اعتدال‌گرای ایران این قدرت، افزایش نیز یافته است و هیچ‌گونه فرصت و عرصه‌ای برای اینکه داعش خودش را مطرح کند، ایجاد نکرده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

کوشش جمهوری اسلامی ایران برای ایفای نقش ائتلاف‌سازی میان گروه‌های مختلف شیعه، سنی و کُرد و ترسیم یک موقعیت برد - برد در ساختار سیاسی و تقسیم قدرت در دولت مرکزی حائز اهمیت است. در واقع، ایران نشان داد که یک بازیگر «ائتلاف‌ساز» است. به اعتقاد برخی تحلیلگران، ایران تنها بازیگری در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که می‌تواند نقش ائتلاف‌ساز را ایفا کند. هیچ کشور دیگری از جمله: ترکیه، عربستان و حتی آمریکا نمی‌توانند؛ همزمان این ویژگی را داشته باشند که روابط اربیل و بغداد را ترمیم کنند، گروه‌های مختلف شیعی را به ماندن در ائتلاف سیاسی‌شان ترغیب کنند و یا روابط بین گروه‌های سنی متعادل با سایر گروه‌ها را برقرار کنند. اگر نقش ائتلاف‌ساز ایران نبود، این انتقال قدرت سیاسی در عراق به راحتی شکل نمی‌گرفت (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

۲-۳. فرصت‌های اجتماعی

۲-۳-۱. ارتقای موقعیت و جایگاه مرجعیت: از آنجایی که در عصر حاضر، توانمندی در بهره‌مندی از قدرت نرم برای کشورها و بازیگران سیاسی مهم تلقی می‌شود، توجه به زمینه‌ها و بسترهای افزایش قدرت نرم حائز اهمیت فراوانی است. یکی از منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه، تشیع و وجود علمای شیعه است. به‌عبارتی دیگر، وجود مذهب تشیع در مناطق پیرامونی کشور ایران و

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۹۵

وجود علمای دینی نیز یکی از ظرفیت‌های مناسبی است که زمینه‌های تأثیرگذاری ایران را افزایش می‌دهد. وجود مذهب تشیع، علمای دینی و حوزه‌های علمیه فعال نیز زمینه‌های کنشگری ایران را در کشورهای اسلامی و علی‌الخصوص عراق جدید فراهم می‌آورد و همین عوامل زمینه‌های همبستگی، تعامل چندجانبه و گسترش روابط سیاسی و فرهنگی را به همراه دارد (نیکروش رستمی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

از این رو، یکی دیگر از فرصت‌هایی که حضور جریان‌های سلفی-تکفیری در منطقه نصیب ایران کرد، این بود که ارزش مرجعیت دینی و مراجع تقلید را بیش از پیش برای مردم و سایر کشورها آشکار نمود. پس از حضور داعش در عراق و تصرف تعدادی از شهرهای این کشور، آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعه، از شیعیان خواست تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند.» سخنگوی او اعلام کرده است:

شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند.

پس از فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر دفاع از عراق در برابر داعش، بسیاری از مردم عراق برای مبارزه علیه این گروه تروریستی داوطلب شدند (اسماعیل‌زاده امام‌قلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

برخی از مردم با پیوستن به گروه‌های شبه‌نظامی شیعه برای مبارزه علیه داعش اعلام آمادگی کردند. برخی از این گروه‌ها که از آن جمله می‌توان به حزب‌الله عراق اشاره کرد، از زمان جنگ ۲۰۰۳ عراق تشکیل شده و بسیار کارآزموده هستند و عمدتاً به صورت مخفیانه فعالیت می‌کنند. بدون تردید، حمایت ایران از شبه‌نظامیان شیعه عراق، یکی از دلایل موفقیت این گروه‌ها در مبارزه با داعش بوده است. مردم به ندای این مرجع دینی به نحو چشمگیری لبیک گفتند و موج عظیمی از نیروی مردمی برای مبارزه با گروه داعش در عراق ایجاد گردید

که حضور این نیروها موجب توقف پیشروی‌های داعش در عراق و شروع اضمحلال این گروه تروریستی شد (مینایی، ۱۳۹۴: ۹).

۲-۳-۲. افزایش مشروعیت اسلام شیعی میان‌رو: پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران به‌عنوان نخستین مدل از حکومت‌های نوین اسلام سیاسی، برخورد بازیگران جبهه غربی در قالب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی با نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. از دیدگاه کشورهای غربی، جمهوری اسلامی ایران بازیگری رادیکال و غیرمنطقی است که درصدد تقابل با نظام شکل گرفته جهانی بود. این روند تا سال‌ها ادامه یافت تا جایی که قدرت‌های غربی از هرگونه تلاشی برای براندازی آن دریغ نمودند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۴)؛ اما ظهور بنیادگرایی اسلامی در قالب‌های گوناگونی همچون: طالبان، القاعده و سپس داعش و مشاهده رفتار فرارادیکال و غیرانسانی آنها، باعث تغییر نگاه غربی‌ها به ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقی در قالب شیعه میان‌رو شد؛ به‌طوری‌که تمایل برای همکاری مشترک با ایران برای مقابله با پدیده سلفی - تکفیری افزایش یافت (گلستان، ۱۳۹۴: ۱۰).

۲-۳-۳. ظهور پرسش‌های جدی جهانی از نهادهای مذهبی سعودی - وهابی: حتی ۱۱ سپتامبر هم به دلایلی چون لابی قدرتمند سعودی در واشنگتن، حمایت رسانه‌های جریان اصلی از عربستان و پشتیبانی تمام عیار دولت بوش، نتوانست نهادهای وهابی را به پرسش بکشد و نقش آنها را در تأمین فکری و مالی گروه‌های سلفی - تکفیری برجسته کند. علی‌رغم آنکه در گزارش کمیسیون تحقیق پیرامون ۱۱ سپتامبر، که متشکل از نمایندگان سنا و کنگره از هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه بود، صراحتاً از عربستان و نهادهای وهابی نام برده شده است و مسئولیت مستقیمی برای پاره‌ای از آنها قائل شده، به دلایل پیش گفته، عربستان و سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در کانون توجهات جهانی قرار نگرفتند.

اما، ظهور داعش موجی شد تا این بار توجه افکار عمومی جهان نسبت به عربستان سعودی و نهادهای مذهبی سلفی - وهابی و نیز مفتی‌های تندرو جلب شود. تقریباً دیگر

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۹۷

کسی شک ندارد که آنها در تغذیه فکری-مالی داعش نقش دارند و به‌طور گسترده‌ای از آن حمایت می‌کنند. در پژوهش جامعی که اندیشکده هنری جکسون انجام داده است، نهادهای وهابی یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین مالی گروه‌های سلفی- تکفیری در خاورمیانه و حتی سراسر جهان دانسته شده است. بر مبنای این گزارش «قسمت اعظم منابع مالی گروه‌های تروریستی در اروپا از سوی مدارس دینی، مساجد، اداره‌های مذهبی و نیز خیریه‌های وهابی تأمین می‌شود. همچنین، این تروریست‌ها به صورت مکرر با این نهادها در ارتباط بوده‌اند.» (ویلسون، ۲۰۱۷: ۶).

جلب شدن توجهات به مدارس دینی، مساجد، ادارات مذهبی، خیریه‌ها و مفتی‌های وهابی موجب شد تا پروپاگاندا و تبلیغات منفی رسانه‌های جریان اصلی در مورد شیعیان و نهادهای دینی شیعه تا حد زیادی به پرسش کشیده شد و نادرستی ادعاهای آنان در مورد تبلیغ خشونت از جانب آنها اثبات شود. نقش نهادهای دینی شیعه در مبارزه فکری با وهابیت و افراطی‌گرایی مذهبی نیز درخور توجه است. این مسأله از جنبه سیاست‌های منطقه‌ای امریکا نیز عمیقاً واجد اهمیت است؛ زیرا موجب شد تا در دوران باراک اوباما پیوندهای سنتی میان واشنگتن و کشورهای حاشیه خلیج فارس به شدت دچار تزلزل شود. این مسأله تا اندازه زیادی به داعش و نقش این کشورها در تقویت و تأمین آن بازمی‌گشت. روابط میان اعراب و امریکا، در هیچ دوره‌ای به اندازه دوران اوباما انتقادی و پرمسأله نبوده است.

۲-۴. فرصت‌های اقتصادی

۲-۴-۱. اقتصاد گروه‌های سلفی- تکفیری: مجموع درآمدهای داعش در سال ۲۰۱۵ از ۱ تا ۲/۴ میلیارد دلار برآورد شده بود. بخش قابل توجهی از پولی که داعش جمع‌آوری می‌کند، از نفت حاصل می‌شد. این گروه میدان‌های نفتی و پالایشگاه‌های کلیدی‌ای را در شمال شرق

سوریه و شمال عراق بین ژوئیه ۲۰۱۴ و سپتامبر همان سال تحت تصرف خود درآورده و جاده‌ها و مراکز تجاری مهم دیگری را نیز در کنترل خود داشتند. در اواسط سال ۲۰۱۶ داعش همچنان حدود ۶۰ درصد از چاه‌های نفت سوریه و ۵ درصد از چاه‌های نفت عراق را در اختیار خود داشت. این گروه، نفت، محصولات نفتی و گاز را به انواعی از خریداران می‌فروشد؛ از جمله دلالاتی در ترکیه، سوریه و عراق که این محصولات را در بازار محلی بافروشی می‌کردند. داعش عمده درآمد نفتی خود را از فروش‌های محلی به دست می‌آورد که چندین بار در امتداد زنجیره تأمین، از میدان نفت تا پالایشگاه و تا بازارهای محلی، مالیات بندی می‌شدند (گلاسر^۱، ۲۰۱۶: ۱۹).

برآوردها از درآمد نفتی داعش مربوط به اواخر بهار ۲۰۱۶ از سالانه ۲۵۰ میلیون دلار تا ۳۶۵ میلیون دلار متغیر بود. طبق برآوردها این درآمدها افت پیدا کرده‌اند؛ هرچند ارقام مشخصی به دلار در این خصوص مورد استناد قرار نگرفته است. این افت به‌طور ویژه در عراق شیب بالایی داشته است: طبق گزارش‌ها، داعش از ماه سپتامبر ۲۰۱۶ دیگر هیچ چاه نفتی را در این کشور تحت کنترل خود نداشته است (ادل^۲، ۲۰۱۶: ۱۹).

درواقع، داعش علاوه بر نفت، بین ۲/۵ تا ۲۰ درصد از درآمد خود را از کسب‌وکارهایی که در قلمرو آن هستند، اخاذی کرده و اقدام به باجگیری‌های دیگری «به سبک مافیایی» می‌نماید که به جمع‌آوری پول توسط این گروه کمک می‌کند. این مالیات‌ها شامل جریمه‌های جمع‌آوری شده توسط پلیس اخلاقی داعش نیز بوده‌اند. داعش فعالیت‌های مرتبط با اخاذی خود را تحت عنوان زکات و جزیه بیان می‌کرد (جانسون^۳، ۲۰۱۴: ۲-۳). داعش همچنین، از افراد و گروه‌هایی که از گذرگاه‌های مرزی به داخل یا

1. Daniel Glaser
2. Loaa Adel
3. Michael Jonsson

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۱۹۹

خارج از قلمروش و نیز بین سوریه و عراق جابه‌جا می‌شدند، اخاذی می‌کرد (عبدالرحیم، ۲۰۱۶: ۱۶-۱۷). به‌طور کلی، داعش دارای سبد تأمین سرمایه متنوعی است. این گروه منابع قابل توجهی را در داخل بخش‌های صنعتی و کشاورزی سوریه و عراق در اختیار دارد، و با اینکه کنترل بانک‌های تحت مالکیت دولت در شمال و غرب عراق را عمدتاً از دست داده؛ اما این بانک‌ها دست کم ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد برای آن فراهم کرده‌اند. داعش از آدم‌ربایی در ازای باج نیز درآمد داشته است: خزانه‌داری ایالات متحده برآورد کرده است که این گروه در سال ۲۰۱۵ بین ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار با این شیوه به‌دست آورده است (گلاسر، ۲۰۱۶: ۲۰).

۲-۴-۲. تبعات گروه‌های سلفی- تکفیری بر اقتصاد خاورمیانه: اقتصاد خاورمیانه که به‌طرز گسترده‌ای رانت- محور و تک‌محصولی است، عموماً با کاهش قیمت مواد خام و هیدروکربن‌ها دچار بی‌ثباتی شده و تا مدت‌ها این عدم‌ثبات مولد بحران‌های متعدد در سطوح مختلف جامعه و دولت است. یکی از این بحران‌ها، که بی‌ثباتی اقتصادی هم در ایجاد آن و هم در تشدید آن نقشی قابل توجه دارد، ظهور جریان‌های تروریستی و خشونت‌طلب سلفی- تکفیری است. به گزارش بانک جهانی در فوریه ۲۰۱۷: «محرومیت جوانان (فقدان تحصیلات، اشتغال، صدمات روحی و روانی، تبعیض و کم‌توجهی) در جهان عرب و به‌ویژه در خاورمیانه، به همراه بی‌اعتمادی به مقامات حکومت، به روند رادیکال شدن این جوانان سرعت بخشیده و جذب آنها در گروه‌های شبه‌نظامی و خشونت‌طلب را تسهیل کرده بود. پژوهشی که توسط شرکت برسون- مارستلر^۲ در مورد جوانان جهان عرب انجام شده است، بر ارتباط میان بیکاری جوانان و ظرفیت بالقوه برای رادیکال شدن آنان تاکید دارد. تقریباً یک چهارم (۲۴ درصد) از جوانان مورد مطالعه، فقدان کار و

1. Raja Abdulrahim
2. Burson-Marsteller

فرصت‌های دیگر را به‌عنوان دلیل اصلی پیوستن برخی از جوانان به داعش ذکر کرده‌اند. در کشورهایی مانند عراق که داعش حضور پررنگی دارد، جوانان تصور تیره‌تر و وخیم‌تری از اقتصاد و منازعات فرقه‌ای دارند (کردزمن، ۲۰۱۷: ۲۱).

هزینه مبارزه با تروریسم در عراق طی یک دهه اخیر بسیار سنگین بوده است. «اینترنشنال بیزینس تایمز^۱» در سال ۲۰۱۶ به نقل از وزارت برنامه‌ریزی عراق می‌نویسد که در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ عراق حدود ۴/۳۱ میلیارد دلار خسارت مالی دیده است. این گزارش می‌افزاید که وزارت دفاع عراق بیشترین آسیب را متحمل شده است. بر همین اساس، این بخش از دولت ۱۵ تریلیون و ۳۵ میلیارد دینار عراقی - حدود ۴/۱ میلیارد دلار آمریکا - خسارت دیده است. در میان استان‌های عراق نیز الانبار بیشترین خسارت را دیده است؛ یعنی حدود ۱۰۷ میلیارد دینار عراق. با این حال، با آغاز عملیات موصل میزان خسارت در این شهر بیشتر از تمام شهرهای عراق خواهد بود؛ به‌گونه‌ای که برخی از گزارش‌ها بر این باورند که پایان عملیات موصل علیه داعش؛ یعنی پایان زندگی در موصل و ویرانی تمام‌عیار این شهر. اگر خسارت‌های انسانی، آوارگی انسان‌ها، نابودی دام‌ها و زمین‌های کشاورزی را هم بر این ارقام بیفزاییم، شاید نشود میزان خسارت در عراق را تخمین زد (باقی، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، این درگیری‌ها موجب تورم بالا و فشارهای نرخ ارز می‌شوند. در عراق و افغانستان، در سال‌های میانی دهه نخست هزاره فعلی، نرخ تورم به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت و در یمن و لیبی، در سال ۲۰۱۱، به دنبال بحران کاهش شدید در عرضه کالاها و خدمات اساسی، بیش از ۱۵ درصد بالا رفت و همزمان در این کشورها به تأمین مالی بودجه نیز متوسل شدند. در این زمینه، سوریه حتی موردی وخیم‌تر است؛ کشوری که در طول دوره بین مارس ۲۰۱۱ و مه ۲۰۱۵ قیمت شاخص قیمت‌ها برای

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۲۰۱

مصرف‌کنندگان بیش از ۳۰۰ درصد افزایش یافت. این روند رو به رشد تورم معمولاً با فشارهای شدید افت ارزش بر ارزهای داخلی همراه است و مقامات مسئول می‌کوشند با مداخله زیاد و وضع مقررات گردش بین‌مرزی جلوی آن را بگیرند؛ برای نمونه، پوند سوریه که در سال ۲۰۱۳ اجازه عرضه آن به صورت شناور داده شده، رسماً با ارزشی معادل یک دهم ارزش پیش از جنگ داخلی در برابر دلار امریکا معامله می‌شود (کردزمن، ۲۰۱۷: ۹۰).

۲-۳-۴. فرصت‌های اقتصادی برای ایران: علی‌رغم چالش‌های اقتصادی که داعش برای اقتصاد ایران در پی داشت؛ ولی فرصت‌هایی نیز برای اقتصاد ایران به وجود آمد. حضور داعش در عراق یک فرصت اقتصادی برای ایران در برخی از استان‌های مرزی واقع در غرب کشور ایجاد کرد؛ فرصتی که به علت حضور گروهک تروریستی داعش در عراق و تحریم کالاهای کشورهای ترکیه و عربستان ایجاد شد. در پی حضور و نفوذ داعش در عراق، مردم این کشور کالاهای وارداتی از ترکیه و عربستان را تحریم کردند و در حرکتی هماهنگ اعلام کردند که کالاهای این دو کشور را نخرند. این اقدام علاوه بر اینکه یک فرصت اقتصادی را برای ایران به ارمغان آورد، موجب ارزآوری فراوانی برای ایران گردید. طبق آمار گمرک، تراز تجاری جمهوری اسلامی ایران و عراق ۹۸/۵ درصد به نفع ایران است و عراق، دومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود. یکی از دو کشوری است که تراز تجاری ایران نسبت به آن مثبت است؛ یعنی میزان صادرات ایران به این کشور بیشتر از میزان واردات به ایران است. همچنین، این مسأله موجب شد دو کشور رقیب ایران حضور اقتصادی خود را در عراق کمرنگ ببینند، که این نیز فرصت مغتنمی برای ایران بود تا قدرت منطقه‌ای خود در عرصه اقتصادی را نیز تقویت نماید. از دیگر فرصت‌های اقتصادی می‌توان مواردی نظیر بروز قابلیت‌هایی در زمینه‌های تروریسم درمانی، مصالح ساختمانی، خدمات فنی و مهندسی، دارو

و تجهیزات پزشکی و کالاهای کشاورزی و مواد غذایی در بازار کشورهای نظیر عراق و سوریه، اشاره کرد (اسماعیل‌زاده امام‌قلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

علاوه بر این، نزدیکی جغرافیایی عراق و جمعیت شیعه آن در جنوب، بازار ایده آلی را برای تلاش ایران با هدف دستیابی به اقتصاد جهانی ایجاد کرده است و بازار عراق توانست بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی ایران را جذب کند. تهران برای ایجاد مناطق آزاد تجاری در استان خوزستان کوشش زیادی کرده است تا تجارت با عراق را گسترش دهد. تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۱۲ میلیارد دلار رسید که شامل توریسم، خدمات مهندسی و ترانزیت کالا بود. ایران خواستار افزایش مبادلات تجاری با عراق به سطح ۲۵ میلیارد دلار در سال‌های آینده است (جام کوردی، ۱۳۹۶).

تجارت غیرنفتی ایران با عراق به رشد خود همچنان ادامه می‌دهد. البته، جنگ با داعش این رشد را کمتر نموده و افت قیمت جهانی نفت نیز در این کاهش رشد مؤثر بوده است. در حالی که داعش سرزمین‌های بیشتری را در شمال عراق تصرف می‌کرد و مسیرهای تجاری بین عراق و ترکیه قطع می‌شد، ایران از این مساله منتفع شده است و تجارت مرزی خود در زمینه کالاهای اساسی را افزایش داده است. علاوه بر این، تشدید تنش با ترکیه و عربستان، ایران را در بهترین موقعیت نسبت به سایر رقبا قرار داده است. در اواسط ۲۰۱۴ میلادی، برخی تجار عراقی، جایگزینی کالاهای سعودی را با کالاهای ایرانی آغاز کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که عربستان از داعش حمایت می‌کند. شورای شهر بغداد نیز تحریم واردات کالا از ترکیه را اعلام کرد. این اقدام پس از ورود نیروهای ترکیه به موصل در دسامبر ۲۰۱۵ انجام شده است (اقتصاد ایرانی، ۱۳۹۶).

با این حال، واردات عراق از ایران با ریسک‌های بالقوه ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند. صادرات غیرنفتی ایران عمدتاً از طریق هفت ایست بازرسی مرزی به بازار عراق دسترسی پیدا می‌کند و ۸۰ درصد صادرات غیرنفتی ایران از طریق مرزهای شمالی عبور می‌کند. به

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۲۰۳

گفته مهدی نجات نیا، سخنگوی دفتر امور عراق در سازمان توسعه تجارت، ۳/۵ میلیارد دلار از کالاها از طریق مرز پرویزخان طی مارس تا دسامبر ۲۰۱۵ وارد عراق شده است. این در حالی است که کل صادرات ایران به عراق در این مدت به ۴/۵ میلیارد دلار رسیده است (اقتصاد ایرانی، ۱۳۹۶).

این مسیر صادراتی به شدت در برابر گسترش داعش به سوی مرزهای شمالی و منطقه کردستان عراق، آسیب‌پذیر است و صادرات غیرنفتی ایران به عراق را تهدید می‌کند. به همین دلیل است که ایران حضور نظامی خود در عراق را در سال ۲۰۱۴ میلادی افزایش داده و هماهنگی خود با نیروهای پیشمرگ را ارتقا بخشیده است تا با گسترش داعش در منطقه مقابله نماید. در مقابل، استان‌های جنوبی عراق به مکان‌های جذاب‌تری برای تجار ایرانی تبدیل شده است که به دنبال مسیرهای مطمئن تجاری هستند. پیشروی داعش به سوی شمال و مرکز عراق، تجارت بین عراق و ترکیه را متوقف کرده و تقاضا برای کالاهای ایرانی را افزایش داده است. به خاطر اینکه تجارت ایران مسیرهای شمالی از طریق منطقه کردستان را در اولویت قرار داده، ظرفیت جاده‌ای در مناطق جنوبی شیعه‌نشین به اندازه کافی توسعه نیافته است تا بتوان همه کالاهای صادراتی ایران را از این طریق به بازار عراق ارسال کرد. ارزش کالاهایی که از طریق مرز شلمچه در سال مالی ۱۳۹۴ شمسی مبادله شده، به بیش از یک میلیارد دلار رسیده است. سیاست‌گذاران ایران تنوع مسیرهای جاده‌ای را در اولویت قرار داده‌اند تا ریسک‌های امنیتی مسیرهای شمال غربی را کاهش و بازار خود را در جنوب عراق توسعه دهند. پیمانکاران ایرانی نسبت به فرصت‌های بالقوه برای پیگیری کردن پروژه‌های آینده در عراق امیدوار هستند. پیشرفت‌های حاصل شده توسط نیروهای بسیج مردمی عراق؛ یعنی حشد الشعبی، در برابر داعش در عراق طی دو سال گذشته، نشانه مثبتی را برای تولیدکنندگان و پیمانکاران ایرانی ارسال کرده است که ایران می‌تواند در بازسازی عراق نقش مؤثر و سازنده‌ای داشته باشد (اقتصاد ایرانی، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

در هزاره جدید، و به‌ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جهان شاهد گسترش فزاینده جریان‌های سلفی - تکفیری و قدرت‌یابی افراط‌گرایان مذهبی است. در طی دهه گذشته با اشغال عراق و از ۲۰۱۱ به بعد و به‌دنبال تحولات پس از قیام‌های مردمی و بیداری اسلامی، فضا برای رشد گروه‌های سلفی - تکفیری در این منطقه بسیار مساعد شد. در این سپهر بود که القاعده، داعش و سپس گروه‌های کوچک و بزرگ سلفی - تکفیری چون: جبهه النصره، احرار الشام، تحریر الشام، حزب التحریر، انصار السنه، بوکو حرام، الشباب و کثیری دیگر شکل گرفتند که در این میان، ظهور داعش، نقطه ضعف و اوج قدرت‌نمایی این جریان‌ها بود. با این همه، ظهور جریان‌های سلفی - تکفیری علاوه بر چالش‌ها و معضلاتی که برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورده‌اند، فرصت‌ها و مقدرات قابل‌توجهی را نیز ایجاد نموده‌اند؛ از جمله تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران، افزایش مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت، عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد، تضعیف نیروهای گریز از مرکز به دلیل ثبات و امنیت داخلی و اثبات توانایی ایران به‌عنوان جزیره ثبات در منطقه‌ای بی‌ساختار و بی‌ثبات. فرصت‌های سیاسی را نیز می‌توان مشروعیت یافتن نقش فعال ایران در منطقه و به‌ویژه در سوریه، انسجام سیاسی در میان گروه‌های شیعه در منطقه و به‌ویژه عراق، شکل‌گیری گروه‌های نظامی همسو با ایران، و تقویت و ارتقای سیاست خارجی و دیپلماسی ایران معرفی نمود. در نهایت، فرصت‌های اجتماعی، شامل: ارتقای موقعیت و جایگاه مرجعیت شیعه، افزایش مشروعیت اسلام شیعی میانه‌رو، و سرانجام ظهور پرسش‌های جدی جهانی از نهادهای مذهبی سعودی - وهابی هستند.

منابع

- ابراهیمی، نبی ... (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۸۲، صص ۴۳۹-۴۵۸.
- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر و احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵). «داعش و امنیت ایران، با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، ش ۱۸ (پیاپی ۴۸)، پاییز ۱۲۳-۱۴۱.
- اقتصاد ایرانی (۱۳۹۵). «حضور ایران در بازار عراق»، دسترسی در: <http://www.ireconomy.ir/fa>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۱۰.
- باقی، محمدحسین (۱۳۹۶). «تبعات اقتصادی پیدا و پنهان جنگ با داعش»، اقتصاد نیوز، قابل دسترسی در: <http://www.eghtesadnews.com>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۶/۱۰.
- تقوی اصل، سیدعطا (۱۳۹۳). تحولات اخیر عراق و تاثیرات آن بر ژئوپلیتیک ایران، سایت تابناک، قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir>
- توسلی حسین (۱۳۹۳). «تهدیدات و فرصت‌های عملکرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران»، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۴/۱۰.
- جام کوردی (۱۳۹۶). «آل اسحاق: بازار عراق، حوزه انسان‌های محتاط و مأیوس نیست»، قابل دسترسی در: <http://fa.jamekurdi.com/economy>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۶/۱۸.
- حلفی، مهدی (۱۳۹۵). «حشد الشعبی؛ بسیج مردمی عراق»، ماهنامه پاسدار اسلام، سال سی و پنجم، ش ۴۱۱-۴۱۲، صص ۴۶-۴۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۸، صص ۱۶۳-۱۹۰.

- رنجبر شیرازی، مصطفی؛ نجاتی آرانی، حمزه و فاطمی صدر، امیر. (۱۳۹۳). *جریان شناسی داعش: چیستی، شاخصه‌ها و راهکارهای مواجهه*، تهران: انتشارات سخنوران.
- سیدنژاد، سید باقر. (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، ش ۴۷، صص ۹۵-۱۲۲.
- کرم زادی، مسلم. (۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی-تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره اول، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- گلستان، مسلم. (۱۳۹۴). «چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش برای ایران»، *دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1947944>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۲/۱۴.
- لیک، دیوید ای و پاتریک مورگان. (۱۳۹۲). *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهان نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات راهبردی.
- مینایی، حسین. (۱۳۹۴). «تهدیدها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، قابل دسترسی در <http://peace-ipsc.org/fa>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۲/۲۴.
- نجات، سیدعلی. (۱۳۹۴). «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، *فصلنامه سیاست*، ش ۶، صص ۱۰۳-۱۱۹.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۱). «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، *مطالعات دفاعی و امنیتی*، ش ۳۳، صص ۳۳-۵۸.
- نوزعیم، محسن، «بررسی چالش‌ها و فرصت‌های عراق جدید برای منافع و امنیت ملی ایران»، *انسان‌شناسی و فرهنگ*، قابل دسترسی در سایت <http://anthropology.ir/article/29924.html>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۲۲.

سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران / ۲۰۷

نیکروش رستمی، ملیحه و جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). «نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان/اسلام، دوره ۵، ش ۱۸، صص ۱۰۵-۱۳۸.

واعظی، محمود و داداندیش، پروین. (۱۳۹۰). «ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای در قفقاز: رهیافتی نو»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۴، صص ۱۶۹-۲۰۲.

Abdulrahim, Raja(2016), “In Syria’s Mangled Economy, Truckers Stitch Together Warring Regions”, available at: www.wsj.com/.../in-syrias-mangled-economy-truckers-stitch-together-warring-re, accessed on 2017/2/2.

Adel, Loaa(2016), “ISIS Revenues from Smuggled Oil Decline After Sharqat Liberation,” Iraqi News, available at: <https://www.iraqinews.com>, accessed on 2017/6/2.

Cordesman, Anthony (a)(2017), *After ISIS: Creating Strategic Stability in Iraq*, Center for Strategic and International Studies, , available at: <https://www.csis.org/analysis/after-isis-creating-strategic-stability-iraq>.

Glaser, Daniel, remarks delivered at Chatham House, London, February, Jay Solomon and Benoit Faucon(2016), “An Energy Mogul Becomes Entangled with Islamic State,” *Wall Street Journal*, available at: www.wsj.com/.../an-energy-mogul-becomes-entangled-with-islamic-state-1462734922

Jonsson, Michael (2014), *Following the Money: Financing the Territorial Expansion of Islamist Insurgents in Syria*, Swedish Defense Research Agency.

Wilson, Tom(2017), *Foreign Funded Islamist Extremism in the UK*, Centre for the Response to Radicalisation and Terrorism Research Paper No. 9, The Henry Jackson Society, available at: henryjacksonsociety.org/wp-content/.../Foreign-Funded-Islamist-Extremism-fin, accessed on 2107/8/20.

